

تبیین عقلانی تناسب جرم و مجازات اخروی و نسبت آن با عدالت و رحمت خداوند

محمد طاهری*

چکیده

یکی از شیوه‌های تربیتی و بازدارنده قرآن کریم برای نهی و بازداري از گناهان و اعمال قبیح، بیم‌دادن از کیفرهای دردناک دوزخ است؛ سهمگین بودن این مجازات‌ها مانند خلود در دوزخ باعث شده که برخی کیفیت این کیفرها را با عدالت و رحمت خداوند در تضاد بپندارند؛ از همین رو تفسیر صحیح چگونگی کیفرهای اخروی با تکیه بر آیات و روایات و تبیین سازگاری و تناسب آنها با عدالت و رحمت خداوند بسیار حائز اهمیت می‌باشد. پژوهش حاضر درصدد بوده تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به حل تناسب مجازات‌های اخروی با مسئله عدالت و رحمت خداوند بپردازد و به این نتیجه دست یافته است که با باور و ایمان به آموزه تجسم اعمال، ثواب و عقاب اعمال خوب یا بد انسان‌ها همان حقیقت اعمال آنان است؛ از این رو میان گناهان دنیوی و کیفرهای اخروی آنها رابطه تکوینی و حقیقی برقرار بوده و در نتیجه با عدالت و رحمت خداوند در تنافی نیست.

واژگان کلیدی: تناسب جرم و مجازات، عدالت خداوند، تجسم اعمال، خلود در آتش.

*. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ yahdin14@yahoo.com

مقدمه

مسئله مجازات گناهان دنیایی از مهم‌ترین بحث‌های حوزه معادشناسی است؛ زیرا با اعتقاد به هدفمندی آفرینش و مسئله جزای اعمال، رابطه مستقیم دارد؛ قرآن کریم از گناهانی یاد می‌کند که با ارتکاب آن، تمام اعمال نیک انسان از بین رفته و باعث تباهی آنها می‌شود؛ [۱] از این رو مرتکبان این گناهان پیوسته در دوزخ بوده و کیفری بی‌پایان و نامحدود در انتظار آنها خواهد بود؛ در طول تاریخ همواره افرادی با خاستگاه‌های مختلف، در مسئله کیفرهای اخروی دچار تردید و تشکیک شده و یا به انکار آن روی آورده‌اند؛ گاهی آن را با عدالت خداوند منافی دانسته‌اند، (Kvanvig, 1993, ch. 1-2؛ Adams, 1975, 434-435) گاهی آن را با رحمت او در تضاد پنداشته (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۶۰) و گاهی صرفاً به استبعاد عقلی عقوبت و انتقام الهی (هیکه، ۱۳۸۲، ص ۴۱۴-۴۱۷؛ Kvanvig, 1993, ch. 119) بسنده کرده‌اند.

در باور این افراد تصویری که از کیفرهای اخروی در قرآن ترسیم شده، تصویری هول‌انگیز و دهشتناک است و چگونه ممکن است خداوند، عده‌ای از بندگان خود را برای گناهان و نافرمانی‌هایی در مدت کوتاه و محدود دنیایی، جاودانه در دوزخ کیفر دهد؟ ایشان برآنند که جاودانگی و دیگر مختصات عذاب‌ها و مجازات‌های طاقت فرسای ذکر شده در قرآن، به عدالت خداوند آسیب می‌زند و با آیاتی چون «جَزَاءُ وَفَاقًا» (نبا: ۲۶) (این مجازاتی است مناسب [اعمالشان]) و «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا» (یونس: ۲۷) (و کسانی که مرتکب بدیها شده‌اند، [بدانند که] جزای [هر] بدی همانند آن است) و «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» (غافر: ۴۰) (هرکس بدی کند، جز به مانند آن کیفر داده نمی‌شود) و جز آنکه تعدی، تجاوز و افراط‌گری و ظلم را از خداوند نفی می‌کند و اصل حاکم بر کیفرهای اخروی را کاملاً با اعمال انسان در دنیا موافق و منطبق می‌داند و از تناسب مجازات‌های اخروی با جرایم دنیوی سخن می‌گوید و نیز با برخی از صفات الهی نظیر تقدم رحمت بر غضب (یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ) ناسازگار است؛ از همین رو اندیشمندان اسلامی برای پاسخ به این سؤال که چگونه ممکن است خداوند برای اعمال دنیوی محدود، چنین مجازات‌های سهمگینی از جمله خلود در دوزخ را قرار داده باشد و اساساً چرا خداوند با قدرت



بی‌پایانش در نظام آفرینش برای گناهان، چنین کیفرهایی را در نظر گرفته است، پاسخ‌های متعددی ارائه کرده‌اند تا به گونه‌ای میان مجازات‌های اخروی با گناهان دنیوی تناسب ایجاد کنند.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص تناسب کیفرهای اخروی با عدالت خداوند نگاشته شده است و جستار حاضر در صدد بوده تا با آمیخته‌ای از روش توصیفی - تحلیلی و نقد و به فراخور ظرفیت پژوهش به تجمیع تمامی نظرات و واکاوی رویکردهای اندیشمندان اسلامی در حل این مسئله بپردازد و نظریه صحیح در این خصوص را با تکیه بر آیات و روایات و ادله عقلی بیان کند.

پرسش‌های پژوهش

براساس آنچه ذکر شد پژوهش حاضر در صدد پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. چه تناسبی میان اعمال دنیوی محدود و کیفرهای اخروی بی‌پایان آنها وجود دارد؟
۲. سهمگین بودن مجازات‌های اخروی مانند خلود در آتش چگونه با عدالت و رحمت خداوند سازگار است؟
۳. چه دیدگاه‌هایی میان اندیشمندان اسلامی برای وجود تناسب میان اعمال دنیایی و پیامدهای اخروی آنها وجود دارد و ملاک صحت و اتقان آنها کدام است؟

واکاوی دیدگاه‌های مختلف

دیدگاه نخست: سازگاری اهل آتش با عذاب‌های اخروی

معتقدان به این دیدگاه از عرفا و متصوفه بر آن هستند که مجازات‌های سهمگین اخروی مقطعی بوده و همیشگی نیستند. برخی با این دیدگاه که دوزخیان پس از آنکه به قدر اعمالشان عذاب چشیدند، در جهنم مشمول فضل و رحمت حق می‌گردند به گونه‌ای که دیگر آتش را احساس نمی‌کنند؛ درصدد تناسب‌سازی میان اعمال دنیایی محدود و عواقب نامحدود آنها برآمده‌اند. (ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۱۴ و ج ۱، ص ۳۰۳) ایشان با قیاس انسان و صفات او با خداوند و صفات کامل و مطلق او، درباره قطع عذاب معتقدند که ذات برخی انسان‌ها با رحمت و شفقت سرشته شده است و اگر خداوند اجازه نظارت و

حاکمیت در امور بندگان را به آنان می‌داد، رنج و عذاب را از عالم زایل می‌ساختند. حال خدایی که چنین کمالی را به برخی از بندگان داده، مسلماً خودش به آن سزاوارتر است و می‌تواند عذاب را تماماً از بین ببرد. (ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۳: ۲۵) مطابق این عقیده، خداوند چون موصوف به رحمانیت و رحیمیت است، هیچ فردی را به عذاب ابدی دچار نمی‌کند و این مقدار عذاب هم که در شریعت از آن خبر داده‌اند برای رساندن آنان به کمالات مقدرشان است (خوارزمی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۷۹-۳۸۰؛ ابن عربی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴ و ج ۲، ص ۱۳۰) معتقدان این دیدگاه بر آنند که عاقبت اهل آتش، نعیم است؛ زیرا صورت آتش، بعد از پایان یافتن مدت عقاب، برای کسی که در آتش بوده، سرد و سلامت خواهد گشت و عذاب جهنم برای آنها شیرین و گوارا خواهد شد، چراکه عذاب از «عَذَب» (گوارا و دلپذیر) مشتق شده و این نعیم دوزخیان است (ابن عربی، ۱۳۶۶، ج ۱۷، ص ۱۶۹؛ کاشی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

دیدگاه دوم: عدم جاودانگی عذاب‌های اخروی

ملاصدرا که سهمگین بودن عذاب‌های اخروی را با رحمانیت خداوند در تنافی و تهاافت دیده با اعتقاد به عدم خلود در آتش به صراحت بیان می‌کند که بعید است عذاب همیشگی باشد، زیرا اولاً خداوند به بندگان مهریان است؛ ثانیاً بنا به دلیل عقلی، نه عبادات بندگان نفعی برای او دارد و نه معاصی آنها زیانی به او می‌رساند و نیز سیر و جریان هر امری به قضا و قدر اوست. وی به حدیثی با این مضمون استناد می‌کند که آخرین کسی که از گناهکاران شفاعت می‌کند، خداوند ارحم الراحمین است. (ملاصدراشیرازی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۳؛ ملاصدراشیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶-۳۹۰). او با اشاره به عقیده معتزله که مرتکبان کبیره را در آتش مخلد می‌دانند، می‌گوید قائلان به چنین اعتقادی ندانسته‌اند که رحمت عام و گسترده خداوند به همه چیز می‌رسد (ملاصدراشیرازی، ۱۳۵۴، ص ۴۶۰).

نقد و بررسی

این دو نظریه با نص صریح بسیاری از آیات قرآن در تعارض است.

۱- دسته اول: آیاتی که از نو به نو شدن عذاب و از حالتی بین مرگ و زندگی برای دوزخیان خبر داده است:



الف) «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» (نساء: ۵۶) (براستی کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان را در آینده به آتشی وارد می‌کنیم (و می‌سوزانیم) که هر گاه پوست‌هایشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوست‌هایی غیر از آنها بر جایش نهیم، تا عذاب (الهی) را بچشند؛ بدرستی که خدا، شکست‌ناپذیری فرزانه است).

ب) «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ» (طه: ۷۴) (هرکس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛ در آن جا، نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند).

۲- دسته دوم: آیاتی که به صراحت دلالت بر جاودانگی در عذاب می‌کند:
الف) «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» (مائده: ۳۷) (پیوسته می‌خواهند از آتش خارج شوند، ولی نمی‌توانند از آن خارج گردند و برای آنها مجازاتی پایدار است).

ب) «وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (انفطار: ۱۶) (و آنان از آن (دوزخ) غایب نمی‌شوند).
ج) «أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا» (نساء: ۱۲۱) (آنها جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری ندارند).

د) «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۳۹)؛ (بقره: ۸۱)؛ (بقره: ۲۱۷)؛ (بقره: ۲۵۷)؛ (آل عمران: ۱۶)؛ (اعراف: ۳۶)؛ (یونس: ۲۷)؛ (رعد: ۵)؛ (مجادله: ۷) (آنان اهل آتشند و در آنجا ماندگارند).

همچنین از کلام خدا در تهدید کافران و اشقیا به آتش، کیفر و شکنجه و عذاب دردناک فهمیده می‌شود و اگر مقصود از آن، عذاب و دلپذیری بود، تهدید و وعید معنایی نداشت. (ثقفی‌تهرانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۶) نیز باید دانست که رحمت خدا به معنای رقت قلب، دلسوزی و تأثر باطنی نیست؛ زیرا حالات مذکور از لوازم وجود انسانی در عالم مادی است و به انسان‌ها تعلق دارد، بلکه رحمت به معنای اعطا و افاضه آن چیزی است که مناسب استعداد قابل است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۴) به علاوه همان‌طور که در دیدگاه چهارم خواهد آمد در عالم آخرت این صورت ملکوتی اعمال است که مجسم می‌شود و در واقع آن جزایی که مردم در عالم

آخرت با آن مواجه می‌شوند همان عمل ایشان است که به شکل پاداش یا مجازات، تمثیل پیدا کرده است.

دیدگاه سوم: خبر دادن خداوند از اعاده و تکرار عمل مجرمان در صورت بازگشت به دنیا

در جای جای قرآن کریم از پشیمانی بدکاران در لحظه مرگ و عالم برزخ و از تقاضای ایشان برای بازگشت به دنیا و تدارک اعمال صالح سخن گفته شده [۲] اما خداوند در دو آیه به صراحت از دروغگو بودن مجرمان و اعاده و تکرار اعمال گذشته‌شان در صورت بازگشت به دنیا خبر می‌دهد.

آیه نخست:

«بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يَخْشَوْنَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رَدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام: ۲۸) (آنها در واقع پشیمان نیستند، بلکه اعمال و نیاتی را که قبلاً پنهان می‌کردند، در برابرشان آشکار شده (و به وحشت افتاده‌اند). و اگر (برفرض به دنیا) بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند باز می‌گردند و قطعاً که آنها دروغگویانند.

قرآن پژوهان در تفسیر این آیات چنین معتقدند که چون مشرکان، ملکات رذیله‌ای که در زندگی دنیا کسب کرده‌اند در دل‌هایشان رسوخ کرده و متنبه نشده‌اند، با دیدن حق و جمیع لوازم دوزخ و عذاب اخرویش آرزوی برگشتن به دنیا را می‌کنند تا از مؤمنان شوند و از نعمت‌های آنها بهره‌مند گردند، ولی اگر بر فرض محال به دنیا باز گردند، باز هم دچار همان غفلت نخستین شده و حجابی بین آنان و بین عالم غیب انداخته خواهد شد چراکه دنیا برایشان دار اختیار خواهد بود و همان هوای نفس و وسوسه‌های شیطانی در آن دخالت خواهند داشت و عیناً مرتکب همان کفر و طغیان سابقشان می‌شوند، چون استکبار و رذایل نفسانی آنها همچنان در ایشان پابرجاست، لذا اینها در آرزوی خود دروغگو هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۵۴-۵۵).

آیه دوم:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» (تا زمانی که کلمه‌ها را بگویند و از آنها بازگشت به برزخ به سوی یوم یبعثون) (مؤمنون: ۹۹-۱۰۰)



که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می‌گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است!) و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند).

مطابق یک تفسیر مرجع ضمیر «ها» در «هُوَ قَائِلُهَا» فرد کافر است که هنگام مشاهده عذاب درخواست بازگشت به دنیا را دارد اما در پاسخ، خداوند با حرف ردع «كَلَّا» می‌فهماند که درخواست این افراد برای بازگشت به دنیا حقیقت ندارد و در صورت بازگشت به دنیا عمل صالحی را انجام نخواهند داد. (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص ۴۹۴ و ج ۸، ص ۵۹۸؛ شیخ طوسی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۳۹۴؛ ابن عطیه، ج ۴، ص ۱۵۶؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۷، ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۳۰؛ ابن جزری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۷؛ جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۶۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۶۲؛ بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۲۲۲؛ کاشانی، ۱۳۰۰، ج ۶، ص ۲۳۷) در واقع می‌توان یکی از علت‌های سهمگین بودن مجازات‌های اخروی همچون خلود در آتش را این دانست که چون بدکاران آن چنان دارای استکبار و رذائل نفسانی هستند که حتی در صورت بازگشت به دنیا نیز دوباره همان اعمال را مرتکب شده و گناهان پیشین خود را تکرار می‌کنند. بدیهی است که چنین کسانی اگر در دنیا جاودانه هم زندگی کنند، هرگز نگرش‌ها، باورها و خصلت‌های اخلاقی و رفتاری خود را تغییر نخواهند داد و همین استمرار منش و رفتار، علت استمرار ابدی عذاب‌هایشان خواهد بود از همین رو مستحق چنین عواقب هولناک و دهشتناکی هستند.

دیدگاه چهارم: تجسم اعمال

یکی از مباحثی که مورد قبول اکثر اندیشمندان اسلامی است مسئله تجسم اعمال است که از آن به تجسد، تمثل و حضور اعمال و احوال نیز تعبیر شده است. از منظر معادشناسی قرآن کریم، میان عمل و جزای آن در آخرت عینیت و اتحاد مطرح است؛ یعنی آنچه در آخرت به‌عنوان کیفر یا پاداش به انسان‌ها داده می‌شود، تجسم عمل خود انسان‌هاست و پاداش اعمال خوب و کیفر اعمال بد، چیزی غیر از صورت آخرتی اعمال

نیست. (قراملکی، ۱۳۷۵ ج ۱، ص ۱۱) مقوله تجسم اعمال به معنی مجسم شدن و پیکر پذیرفتن کردارهای نیک و بد آدمیان پس از مرگ در عالم برزخ و در رستاخیز است. بدین سان که اعمال نیک به هیئتی زیبا و دل‌پذیر و اعمال زشت به شکلی زشت و پیکری بیم‌آمیز و نفرت‌انگیز تغییر شکل داده و صاحب عمل را شادمان و یا اندوهگین می‌سازند و در نهایت به صورت نعمت‌های بهشتی و یا نعمت‌های دوزخی پدیدار می‌شوند و مزد یا کیفر صاحب عمل می‌باشند. بنا بر آموزه تجسم اعمال، ثواب و عقاب اعمال خوب یا بد انسان‌ها چیزی جز آن اعمال نیست و میان اعمال انسان‌ها و عواقب آنها رابطه تکوینی، حقیقی و این همانی برقرار است نه رابطه‌ای قراردادی. پس اگر در برابر گناهی آتش دوزخ وعده داده شده، آن آتش چیزی جدا از آن گناه نیست، بلکه حقیقت آن است که تمثیل پیدا می‌کند و به شکل آتش نمایان می‌گردد. آیات زیادی از قرآن گواه تجسم یافتن اعمال و تمثیل یافتن ملکات و اندیشه‌ها می‌باشد که در دو دسته کلی (حضور عمل در قیامت و عینیت عمل و پاداش) قرار می‌گیرند.

۱. حضور عمل در قیامت

آیات بیان‌کننده حضور عمل در قیامت

این گروه از آیات دلالت دارند بر اینکه عمل زنده و مشهود است و خود عمل در قیامت حاضر می‌شود و انسان بر آن آگاه می‌گردد. به عنوان نمونه:

الف) «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران: ۳۰) (روزی که هرکسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن (کارهای بد) فاصله‌ای دور بود) خداوند در این آیه به صراحت، آخرت را روز مشاهده خود عمل و تجسم آن معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۵۶).

ب) «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹) (و آنچه را انجام داده‌اند را حاضر می‌یابند و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد)، در این آیه تصریح شده این خود اعمال است که هریک به صورتی مناسب خود مجسم می‌شود، نه کتاب اعمال و نوشته شده آنها و ظلم نکردن خداوند به آنها بنابر تجسم اعمال،



روشن‌تر است؛ زیرا وقتی پاداش انسان خود کرده‌ی او است و احدی در آن دخالت نداشته باشد، دیگر ظلم معنا ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۳۲۵).

ج) «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِلْأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه: ۳۴-۳۵) (کسانی را که طلا و نقره را می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارت بده، روزی که آن طلاها و نقره‌ها در آتش دوزخ سرخ گردیده و بر پیشانی و پهلو و پشت آنان نهاده می‌شود و به آنان گفته می‌شود: این همان چیزی است که از قبل برای خودتان اندوخته‌اید، پس آنچه را اندوخته‌اید، بچشید.) نکته قابل دقت در این آیه آن است که می‌فرماید: «ما كَنْزْتُمْ لِلْأَنفُسِكُمْ»؛ یعنی، این آتش و عذاب همان است که شما برای خود اندوخته‌اید؛ به عبارت دیگر طلاها و نقره‌ها در دنیا و آخرت به دو صورت مجسم می‌گردد؛ در دنیا به صورت فلز خیره‌کننده چشم‌ها و در جهان آخرت به صورت عذاب دردناک خداوندی تجسم می‌یابد.

د) «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء: ۱۰) (در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی می‌خورند؛ خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند.) این آیه چنین توصیف می‌کند که مال به ناحق خورده شده یتیم، نه تنها در آخرت به صورت خوردن آتش مجسم می‌شود، بلکه در همان وقتی که خورنده، در حال خوردن مال یتیم است، در حقیقت آتشی را فرو می‌برد؛ هرچند به این حقیقت آگاهی ندارد و در آخرت که روز برملاشدن حقیقت‌هاست، خواهد فهمید.

روایات بیان‌کننده حضور عمل در قیامت

روایات زیادی نیز بر این موضوع دلالت دارد که در قیامت و قبر وبرزخ خود اعمال خوب یا بد حاضر می‌شود. برای نمونه:

الف) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در معنای آیه «سَيَطُوفُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران: ۱۰۸) سؤال می‌کند. آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: «هیچ بنده‌ای

نیست که از پرداختن زکات خودداری کند مگر این که خداوند آن را روز قیامت مبدل به ازدهایی آتشین می‌کند که طوق گردن او می‌شود.» [۳] (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۰).

ب) ابوبصیر از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) روایت می‌کند: هنگامی که بنده مؤمن می‌میرد همراه او در قبر شش صورت وارد می‌شود که یک صورت از همه زیباتر است. صورتی در طرف راست، صورتی در طرف چپ، صورتی در پیش رو و دیگری در پشت سر و دیگری در پایین پا و آن صورتی که از همه زیباتر است بالای سر او قرار می‌گیرد. و هر گاه عذابی از سمت راست آید صورت سمت راست مانع می‌شود و همچنین از پنج جهت دیگر؛ صورتی که از همه زیباتر است خطاب به بقیه کرده و می‌گوید: شما کیستید؟ خدا جزای خیرتان دهد، صورت طرف راست می‌گوید: من نمازم و آنکه دست چپ است می‌گوید: من زکاتم و آنکه پیش او است می‌گوید: روزهام و آنکه پشت سر است می‌گوید: حج و عمرهام و آنکه پایین پا است می‌گوید: من نیکی‌هایی هستم که نسبت به برادرانت کردی. سپس آنها به آن صورت زیبا می‌گویند: تو کیستی که از همه زیباتری؟ می‌گوید: من ولایت آل محمدم (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۵۸). [۴]

۲. عینیت عمل و پاداش

این گروه از آیات دلالت دارد بر اینکه پاداش، عین عمل و عمل همان پاداش است. بیشتر این آیات، به زبان حصر است و می‌فرماید: جز این نیست که به غیر کردار خویش پاداش داده نخواهید شد. برای نمونه:

الف) «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۰) (و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می‌شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت؟) یعنی جزا داده نمی‌شوید مگر خود آن عملی که کرده‌اید، خود آن عمل برایتان مجسم می‌شود و گریبانتان را می‌گیرد، پس هیچ ظلمی در جزا و هیچ جوری در حکم نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۴۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۵۷۴).

ب) «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس: ۵۴) [و به آنها گفته می‌شود:] امروز به هیچ کس ذره‌ای ستم نمی‌شود و جز آنچه را عمل می‌کردید جزا داده نمی‌شوید!] عطف تفسیری «لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» بر عبارت «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً» در حقیقت بیانی برهانی برای نبودن ظلم در آن روز است، چون دلالت می‌کند بر اینکه جزای اعمال هر صاحب عملی در آن روز خود اعمال اوست، دیگر با چنین جزایی ظلم تصور ندارد، برای اینکه ظلم عبارت است از بی‌جا مصرف کردن چیزی، ولی عمل کسی را جزای عملش قرار دادن، بی‌جا مصرف کردن جزا نیست و بهتر از آن تصور ندارد، چه جزایی عادلانه‌تر از اینکه عین عمل کسی را مزد عملش قرار دهند؟ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۱۰۰).



جمع بندی

در این جستار با بررسی آرا و نظرات اندیشمندان اسلامی و ادله ایشان برای حل تناسب میان اعمال دنیوی و مجازات‌های اخروی آن می‌توان نتایج ذیل را بر شمرد:

۱. رابطه میان گناهان انسان در دنیا با مجازات‌های اخروی، رابطه‌ای قراردادی از نوع قوانین موضوعه بشری، برای مجازات مجرمان نیست؛ بلکه میان گناهان و مجازات آنها در آخرت، اتحاد و عینیت مطرح است؛ از این رو هیچ تضاد و ظلمی بین معاصی و کیفر آنها نیست.

۲. عینیت عمل و مجازات آن و یا تجسم اعمال و ملکات در قیامت در حقیقت بیانی برهانی برای عدالت خداوند است چراکه جزایی عادلانه‌تر از این نیست که عین عمل کسی را مزد عملش قرار دهند؛ از همین رو هرگز نمی‌توان تصور کرد که امکان مجازات اخروی آسان‌تر و کوتاه‌تر از آنچه که خداوند وعده داده است، وجود داشته باشد؛ چراکه نمی‌توان تصور کرد چیزی در عین این که وجود دارد، وجود نداشته باشد.

۳. برخی از عرفا و متصوفه برای حل تناسب اعمال دنیایی و مجازات‌های سهمگین آخرت به عدم جاودانگی عذاب‌های اخروی و سازگاری و دلپذیر شدن عذاب‌های آخرت برای جهنمیان اعتقاد پیدا کردند که این دیدگاه نه تنها با نص صریح آیات قرآن مخالفت داشته بلکه با ادله عقلی نیز در تعارض و تضاد است. و در مقابل آموزه تجسم اعمال و عینیت عمل و پاداش و نیز استناد به آیاتی و روایاتی که از اعاده و تکرار عمل مجرمان در صورت بازگشت به دنیا خبر می‌دهد به خوبی علت سهمگین بودن عذاب‌های اهل دوزخ و تناسب مجازات‌های اخروی با جرایم دنیوی را تبیین می‌نماید.



پی‌نوشت

- [۱]. برای نمونه: کفار (بقره: ۱۶۱)، ظالمان و ستمگران (نساء: ۱۶۸)، منافقان (توبه: ۶۸)، متکبران (نمل: ۲۹)، تکذیب‌کنندگان آیات خدا (تغابن: ۱۰)، کسانی که عمداً مرتکب قتل می‌شوند (نساء: ۹۳)، متجاوزان از حدود الهی (نساء: ۱۴)، دشمنان خدا و رسول پیامبر خدا (توبه: ۶۳)، کسانی که کردار زشتشان آنها را احاطه کرده است (بقره: ۸۱)، ربا خواران (بقره: ۲۷۵)، همدستان و همکاران دشمنان اسلام (مائده: ۸۰)، مشرکان (توبه: ۱۷)، گناه پیشگان (یونس: ۱۷).
- [۲]. برای نمونه: (ملک: ۱۰)، (انعام: ۲۷)، (زخرف: ۳۸)، (فرقان: ۲۹-۲۷)، (نبا: ۴۰)، (کهف: ۴۹)، (الحاقه: ۲۶-۲۵).

- [۳]. سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله «سَيَطُوفُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» قال: ما من عبد منع زكاة ماله — إلا جعل الله ذلك يوم القيامة ثعباناً من نار مطوقاً في عنقه، ينهش من لحمه حتى يفرغ من الحساب و هو قول الله «سَيَطُوفُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قال: ما بخلوا من الزكاة.
- [۴]. عن أبي بصير عن أحدهما عليه السلام قال: إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ دَخَلَ مَعَهُ فِي قَبْرِهِ سِتَّةٌ صُورٍ فِيهِنَّ صُورَةٌ هِيَ أَحْسَنُهُنَّ وَجْهًا وَ أَبْهَاهُنَّ هَيْئَةً وَ أَطْيَبُهُنَّ رِيحًا وَ أَنْظَفُهُنَّ صُورَةً قَالَ فَيَقِفُ صُورَةٌ عَنْ يَمِينِهِ وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهِ وَ أُخْرَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أُخْرَى خَلْفَهُ وَ أُخْرَى عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَ يَقِفُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُهُنَّ فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِنْ أَتَى عَنْ يَمِينِهِ مَنَعَتْهُ الَّتِي عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يُوْتَى مِنَ الْجِهَاتِ السَّتِّ قَالَ فَتَقُولُ أَحْسَنُهُنَّ صُورَةً مَنْ أَنْتُمْ جَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا فَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَمِينِ الْعَبْدِ أَنَا الصَّلَاةُ وَ تَقُولُ الَّتِي عَنْ يَسَارِهِ أَنَا الزَّكَاةُ وَ تَقُولُ الَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَنَا الصَّيَامُ وَ تَقُولُ الَّتِي خَلْفَهُ أَنَا الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ تَقُولُ الَّتِي عِنْدَ رِجْلَيْهِ أَنَا بِرٌ مَنْ وَصَلْتَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثُمَّ يَقْلَنَ مَنْ أَنْتَ فَأَنْتَ أَحْسَنُنَا وَجْهًا وَ أَطْيَبُنَا رِيحًا وَ أَبْهَانَا هَيْئَةً فَتَقُولُ أَنَا الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن جزى، محمد بن احمد، *التسهيل لعلوم التنزيل*، محقق: عبدالله خالدى، بيروت: شركة دار الأرقم بن ابى الأرقم، ۱۴۱۶ ق.
۲. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، *شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار*، محقق: محمد حسين حسيني جلالى، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن عربى، محيى الدين محمد بن على، *الفتوحات المكية*، بيروت: دار صادر، [بى تا].
۴. _____، *فصوص الحکم (تعليقات ابوالعلاء عفيفى)*، تهران: الزهراء، ۱۳۶۶.
۵. ابن عطيه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز*، محقق: محمد، عبدالسلام عبدالشافى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ ق.
۶. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، *تفسير القرآن العظيم*، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹ ق.
۷. بحراني، سيدهاشم بن سليمان، *البرهان فى تفسير القرآن*، قم: مؤسسة البعثة، ۱۳۷۴.
۸. برقى، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، محقق: جلال الدين محدث، چاپ دوم، قم: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ق.
۹. بقاعى، ابراهيم بن عمر، *نظم الدرر فى تناسب الآيات والسور*، محقق: مهدى عبدالرزاق غالب، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد، *تفسير الثعالبى الجواهر الحسان فى تفسير القرآن*، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. ثقفى تهرانى، محمد، *روان جاويد در تفسير قرآن مجيد*، تهران: برهان، ۱۳۷۶.
۱۲. جرجانى، حسين بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان تفسير گازر*، تصحيح: جلال الدين محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ق.
۱۳. خوارزمى، تاج الدين حسين بن حسن، *شرح فصول الحکم محيى الدين عربى*، تهران: نجيب مايل هروى، ۱۳۶۴.
۱۴. شيخ طوسى، محمد بن حسن، *التبيان فى تفسير القرآن*، مصحح: احمد حبيب عاملى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، [بى تا].



۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۱۶. قدردان قراملکی، محمد حسن، *کاوشی در تجسم اعمال*، تهران: کیهان اندیشه، ۱۳۷۵.
۱۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۰۰.
۱۸. کاشی، عبدالرزاق، *شرح فصوص الحکم*، تهران: چاپ مجید هادی زاده، ۱۳۸۳.
۱۹. ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة تفسیر الماتریدی*، محقق: باسلوم، مجدی، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۲۶ ق.
۲۰. محدث‌نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. مکارم‌شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
۲۲. ملاصدرا شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۲۳. _____، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، با حواشی ملاهادی سبزواری، تهران: چاپ جلال‌الدین آشتیانی، ۱۳۸۶.
۲۴. _____، *المبدأ و المعاد*، تهران: چاپ جلال‌الدین آشتیانی، ۱۳۵۴.
۲۵. میبیدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۶. هیک، جان، *بعد پنجم کاوشی در قلمرو روحانی*، ترجمه بهزاد سالگی، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۲.

27. Adams, McCord Marilyn 1975 , *Hell and the God of Justic in Religious Studies*, Vol. 11, No 4, pp.443-447, Cambridge.
28. Kvanvig, Jonathan L. 1993 , *The problem of Hell*, Oxford Univresity Press.